

یک سال در چشم‌انداز: لیوانی نیمه پر

نوشته آیرین خان، دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل

کریشنا پهادی، یکی از فعالان حقوق بشر در نپال، ۲۸ بار از طرف حکومت دستگیر شده است. موقعی که من او را در یک بازداشتگاه پلیس در کتمان‌دو در فوریه ۲۰۰۵ در فاصله کوتاهی پس از بازداشت بیست و هفتمش دیدم پیام او به طور شگفت‌انگیزی خوش‌بینانه بود. او به من گفت رژیم هر چه که معترضان صلح‌طلبی مثل او را بیشتر دستگیر می‌کند موضوع حقوق بشر را قوی‌تر می‌سازد. ناآرامی‌های وسیع سیاسی، و محکومیت بین‌المللی اقدامات حکومت نپال، نظر کریشنا را تأیید می‌کند. با محرومیت از هر مطلب خواندنی به جز متون مذهبی، او یک دور کامل بگاواد گیتا را خوانده است و می‌خواست خواندن انجیل و سپس قرآن را شروع کند. او شکی ندارد که مبارزات او و کسانی مانند او موفق خواهد شد. او گفت، فقط مسئله زمان است.

کریشنا نگران نیست. من نیز، علیرغم بدرفتاری‌ها و بی‌عدالتی‌ها، خشونت و تجاوزات در سرتاسر جهان که در گزارش سال ۲۰۰۶ عفو بین‌الملل آمده است، در این احساس با او شریکم.

منظرة حقوق بشر آکنده از قول‌های عمل نشده و قصور رهبری حکومت‌هایی است که داعیه حمایت از حقوق بشر دارند ولی وقتی به عملکرد و سیاست‌های خود آنان مربوط می‌شود واکنش‌های سرکوبگرانه از خود نشان می‌دهند. بدرفتاری‌های شدید در افغانستان و عراق بر بیشتر مباحث مربوط به حقوق بشر سایه افکنده است، چرا که شکنجه و ترور در یک دور باطل از یکدیگر تغذیه می‌کنند. خشونت و شدت حملات گروه‌های مسلح در این کشورها و سایر کشورها بالا می‌رود و قربانی سنگینی از جان انسان‌ها می‌گیرد.

در عین حال، یک نگاه نزدیک‌تر به حوادث سال ۲۰۰۵ به من امید می‌دهد. نشانه‌های روشنی وجود داشت حاکی از این که پس از پنج سال ممکن است یک نقطه عطف در حملات علیه حقوق بشر به نام مبارزه با تروریسم در چشم‌انداز باشد. در طول یک سال گذشته، برخی از قدرتمندترین حکومت‌های جهان پیام بیداری تکان‌دهنده‌ای در مورد خطرات کم بها دادن به بُعد حقوق بشری در اقدامات خود در داخل و خارج کشور دریافت کردند. زبان دوگانه و فریب آنان در رسانه‌ها بر ملا شد، از سوی فعالان به چالش کشانده شد و دادگاه‌ها آن را رد کردند.

من هم چنین نشانه‌های دیگری از خوش‌بینی می‌بینم. مجموع کشمکش‌ها در سطح جهان، به شکرانه ابتکارات بین‌المللی سازندگی صلح، مدیریت کشمکش و جلوگیری از کشمکش، هم‌چنان رو به کاهش است، و این خود به میلیون‌ها انسان در کشورهایی مانند آنگولا، لیبیا و سیرالئون امید بخشیده است.

اصلاحات نهادی در سازمان ملل برای تقویت تشکیلات حقوق بشری، علیرغم تلاش برخی از حکومت‌های بدبین و «سنگ‌انداز» که می‌خواستند مانع آن شوند، آغاز شد.

فراخوان اجرای عدالت در مورد برخی از بدترین جنایات تحت قوانین بین‌المللی در سرتاسر جهان، از آمریکای لاتین تا کشورهای بالکان، نیروی بیشتری یافت. گرچه نظام‌های قضایی فاسد در کشورها، بی‌اثر و سیاست‌زده هم‌چنان مانعی بزرگ در راه اجرای عدالت هستند، در برخی از نقاط جهان جریان امر بر علیه مصونیت از مجازات شروع شده است. در ۲۰۰۵ کشورهای متعددی تحقیقاتی را در باره کسانی که مظنون به ارتکاب جنایات جنگی و جنایات ضد بشری هستند شروع کردند یا آنان را به محاکمه کشاندند. علیرغم مخالفت آمریکا، پشتیبانی از دادگاه جنایی بین‌المللی افزایش یافته است و مکزیک صدمین کشوری بود که قرارداد رم مربوط به تأسیس این دادگاه را تصویب کرد. تصمیم شورای امنیت سازمان ملل برای ارجاع مسئله دارفور به دادگاه جنایی بین‌المللی یک رویه مهمی است و رابطه بین امنیت و عدالت را به نمایش می‌گذارد.

مردم عادی برای خواست تأمین حقوق خود و تغییرات سیاسی به خیابان‌ها ریختند. در بولیوی، فقیرترین کشور آمریکای جنوبی، تظاهرات وسیع جوامع بومی، دهقانان و معدنچیان به استعفای رییس جمهور و انتخاب اولین فرد بومی به ریاست کشور منجر شد. حتی حکومت‌های سرکوبگر خود را در برابر تظاهرات عمومی یافتند و مجبور شدند که امتیازاتی بدهند.

کسانی خواهند بود که احساس خوش‌بینی مرا به چالش بکشند. ولی من از این تحولات و، از همه مهمتر، از نمایش فوق‌العاده فعالیت جهانی و همبستگی انسانی از فرای مرزها؛ از انرژی و تعهد اعضای عفو بین‌الملل در سراسر جهان؛ از جمعیتی عظیمی که در آستانه کنفرانس سران گروه ۸ برای «به تاریخ سپردن فقر» جمع شدند؛ و از حمایت فراوان مردم عادی از قربانیان سونامی در آسیا، توفان کاترینا در آمریکا و زلزله در کشمیر؛ قوت قلب می‌گیرم.

از کشاورزان روستایی که علیه مصادره زمین در چین به اعتراض برخاستند تا زنانی که در دهمین سالگرد کنفرانس جهانی زنان سازمان ملل بر حق خود تأکید کردند، حوادث ۲۰۰۵ نشان داد که اندیشه حقوق بشر - همراه با جنبش جهانی مردمانی که آن را به پیش می‌برند - قویتر و پرتوان‌تر از همیشه است.

شکنجه و ضد تروریسم

موقعی که بمب‌گذاران انتحاری در جولای ۲۰۰۵ در مرکز لندن دست به عملیات زدند، نخست وزیر بریتانیا آقای تونی بلیر با اعلام برنامه‌هایی برای محدود کردن شدید حقوق بشر و نشان دادن این امر به جهان که «قوانین بازی تغییر کرده است» واکنش نشان داد. لرد ستاین، یک قاضی ارشد بازنشسته قضاییه بریتانیا به نحو مناسبی پاسخ داد: «حفظ حاکمیت قانون بازی نیست؛ و بلکه به دسترسی به عدالت، حقوق بشر بنیادین و ارزش‌های دموکراتیک مربوط است».

خوش‌بختانه در پارلمان، برخی از مواد بسیار فاحش قوانین پیشنهادی دولت بریتانیا بیرون انداخته شد. دولت دو بار در ۲۰۰۵ در مورد قانون ضد تروریستی خود شکست خورد - این اولین شکست پارلمانی نخست وزیر بلیر در دوره ۹ ساله حکومتش بود.

قوه قضاییه نیز با حکومت بریتانیابه مقابله برخاست. مجلس اعیان که عالیترین دادگاه کشوراست، موضع دولت را مبنی بر این که می‌تواند از اطلاعات به دست آمده زیر شکنجه در کشورهای خارجی به عنوان مدرک در دادگاه‌های بریتانیا استفاده کند رد کرد. در یک مورد دیگر، دادگاه تجدید نظر ادعای دولت را مبنی بر این که نیروهای بریتانیایی در عراق مشمول قوانین حقوق بشری داخلی و بین‌المللی نمی‌شوند رد کرد. دادگاه هم‌چنین حکم صادر کرد که روند بررسی در مورد مرگ زندانیان عراقی در دست افراد نیروهای مسلح بریتانیایی شدیداً کمبود دارد.

در آمریکا، ادعاهای حکومت بوش مبنی بر این که در جنگ علیه تروریسم می‌تواند خود را از ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری استثنا کند به صورت مشابهی زیر سؤال رفت. یک اصلاحیه قانونی بر ممنوعیت شکنجه و رفتار خشن، ناعسانی و تحقیرکننده همه زندانیان از سوی مقامات و کارگزاران آمریکایی، هر جا که باشند، تأکید کرد. نه فقط رییس جمهور تهدید کرد که لایحه را وتو خواهد کرد و بلکه معاون رییس جمهور سعی کرد که آژانس اطلاعاتی مرکزی (سیا) را از قانون مستثنا کند. سیا خود به کاربرد «آب سواری» (غرق کردن مصنوعی) به عنوان یک وسیله بازجویی اذعان کرده است، و دادستان کل ادعا کرد که آمریکا می‌تواند با بازداشتیان در خارج کشور، اگر تبعه آمریکا نباشند، بدرفتاری کند.

در نهایت، رییس جمهور بوش کوتاه آمد و مجبور شد از مخالفت با لایحه دست بردارد. ولی این لایحه نیشی در دُم داشت و یک اصلاحیه آن بازداشتیان گوانتانامو را از حق تجدید نظر احضار به دادگاه فدرال محروم کرد و آنان را از تقاضای بازنگری در یک دادگاه در مورد شرایط بازداشت یا رفتاری که با آنان می‌شود باز داشت. در عین حال، کوتاه آمدن علنی رییس جمهور نشانه‌ای از فشارهایی بود که از سوی بخش‌هایی از درون آمریکا و متحدان آن کشور در خارج بر حکومت وارد می‌شود.

حکومت‌های اروپایی در برابر گزارش‌هایی که از نقش آن‌ها به عنوان همکاران پایین رتبه آمریکا در «جنگ با ترور» یکی پس از دیگری پرده بر می‌داشت ناراحت شده بودند. پس از گزارش مطبوعات، حاکی از آن که احتمالاً بین حکومت آمریکا و برخی از حکومت‌های اروپایی در مورد «پایگاه‌های سیاه سیا» - مراکز مخفی بازداشت که بنا به ادعا در قلمرو اروپا ایجاد شده - همدستی وجود داشته است، یک اعتراض عمومی ایجاد شد. شواهد روزافزونی که نشان می‌داد زندانیان به صورت غیرقانونی از طریق فرودگاه‌های اروپایی به کشورهای منتقل شده‌اند که در آن جا در خطر شکنجه هستند («بازگردانی فوق‌العاده») نیز محکومیت عمومی وسیعی را به دنبال داشت.

خواست بسته شدن مرکز بازداشت خلیج گوانتانامو با ندهای سازمان ملل، نهادهای مختلف اروپایی، و رهبران سیاسی و عقیدتی، از جمله شخصیت‌های برجسته آمریکایی، که فشارهای تازه‌ای وارد می‌کردند، تکانه بزرگتری یافت. چیزی که قبلاً صدای تنهای عفو بین‌الملل در برهوت بود اکنون به نقطه اوج صداهای محکومیت علیه فاحش‌ترین نماد سوء استفاده از قدرت آمریکا تبدیل شده بود. این امر عزم ما را بر ادامه مبارزه تا هنگامی که دولت آمریکا اردوی گوانتانامو را ببندد و واقعیات مربوط به مراکز مخفی بازداشت تحت کنترل خود را برملا کند و حق بازداشتیان را برای محاکمه بر مبنای استانداردهای بین‌المللی یا آزادی آنان بپذیرد تقویت کرده است.

تحولاتی که من نام بردم به معنای آن نیست که حمایت از اقدامات محدودکننده از بین رفته است و یا تعرض به حقوق بشر به نام مبارزه با تروریسم محو شده است. آمریکا کاربرد انواع خاصی از شکنجه یا بدرفتاری را به طور قاطع رد نکرده است. هم‌چنین آمریکا از انجام یک تحقیق مستقل در باره نقش مقامات عالیرتبه آمریکایی در بدرفتاری‌هایی که در زندان ابوغریب عراق و جاهای دیگر رخ داده است، علیرغم شواهد روزافزون دال بر دخالت مقامات بالا، خودداری کرده است.

موقعی که دادگاه‌های بریتانیا حکم کردند که بازداشت خارجی‌ان بدون اتهام یا محاکمه خلاف قانون است، حکومت این کشور بلافاصله قانونی گذراند تا بتواند افراد را عملاً در خانه به صورت بازداشت نگاه دارد. حکومت هم‌چنان تلاش دارد تا برای بازگرداندن افراد به کشورهایی که ممکن است آنان در آن‌جا با شکنجه روبرو شوند «اطمینان دیپلماتیک» بگیرد.

«ارزش صادراتی» «جنگ با ترور» نیز پایین نیامده است. با تأیید ضمنی یا صریح آمریکا، کشورهایمانند مصر، اردن و یمن هم‌چنان به بازداشت بدون اتهام یا محاکمه افراد مظنون به دست داشتن در تروریسم ادامه می‌دهند.

آنچه که در ۲۰۰۵ با سال‌های پیشین تفاوت کرده این است که، به شکرانه کار مدافعان حقوق بشر و دیگران، برخورد عمومی تغییر کرده است و این به نوبه خود حکومت‌های آمریکا و کشورهای اروپایی را به موضع دفاعی کشانده است. مردم دیگر آماده نیستند که استدلال‌ات باطل را مبنی بر این که کاهش آزادی‌ها امنیت ما را بالا می‌برد بپذیرند. حکومت‌ها از سوی قانون‌گذاران، قاضیان و تربیون‌های عمومی به طور روزافزون تحت مؤاخذه قرار می‌گیرند. این نکته بیشتر و بیشتر می‌افتد که نادیده گرفتن حقوق بشر و حکومت قانون به جای این که «جنگ با ترور» را به پیروزی برساند فقط نفرت ایجاد می‌کند و جوامعی را که هدف این اقدامات قرار می‌گیرند به انزوا می‌کشاند، وسیله سوء استفاده افراطی‌ها شده و امنیت مشترک ما را به خطر می‌اندازد.

خطوطی، گرچه شکننده، کشیده می‌شود. صداهایی بلند می‌گردد. این از یک نقطه عطف در بحث، و برخوردی اصولی‌تر در مورد حقوق بشر و امنیت در آینده، امید می‌دهد.

بر خلاف اظهار نخست‌وزیر بریتانیا، قواعد بازی عوض نشده است. حکومت‌هایی که با این قواعد اساسی بازی می‌کنند نه به امنیت و نه به حقوق بشر خدمت می‌کنند.

ما باید هم‌چنان و با شدیدترین عبارات ممکن، حملات جویانه و وحشیانه گروه‌های مسلح به شهروندان غیر نظامی را محکوم کنیم. با شدتی برابر، ما باید در برابر استراتژی‌های احمقانه و خطرناک حکومت‌ها که به دنبال آنند تا با کاربرد شکنجه با ترور مبارزه کنند بایستیم.

ابتکارات اصلاحی

نارضایی روز افزون و انتقادهای شدید از تشکیلات حقوق بشر سازمان ملل نهایتاً باعث شد که حکومت‌ها اصلاحات مهمی را به عنوان بخشی از یک بازاندیشی نقش سازمان ملل در اداره جهانی آغاز کنند.

کشورهای عضو سازمان ملل موافقت کردند که بودجه دفتر کمیسیونر حقوق بشر سازمان ملل را دو برابر کنند و نقطه کانونی کار آن را بیشتر بر حفظ حقوق بشر از طریق حضور در صحنه متمرکز کنند.

کشورهای عضو تصمیم گرفتند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را که اعتبار خود را از دست داده است به دور اندازند و به جای آن شورای حقوق بشر را بنشانند که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل انتخاب می‌شود و در برابر آن پاسخگو است و می‌تواند همه کشورها و از جمله و در درجه اول اعضای خود را زیر نظر بگیرد. گرچه سازش‌هایی در این مورد صورت گرفت، این پیشنهاد فرصت مهمی برای بهبود تشکیلات حقوق بشری سازمان ملل ایجاد می‌کند. متأسفانه به هنگام نوشتن این گزارش، به دلیل خودداری آمریکا از حمایت از شورا با این توجیه که «کمبودهای» زیادی دارد، آینده آن در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. یک کشور، هرچه قدر هم که قدرتمند باشد، نباید مجاز باشد که یک توافق وسیع جهانی را تضعیف کند. من امیدوارم که سایر حکومت‌ها در برابر فشار آمریکا مقاومت کنند، از قطعنامه حمایت کنند و کار شورا را به راه اندازند.

من از حمایت حکومت‌ها برای تغییر تشکیلات حقوق بشری سازمان ملل قوت قلب گرفته‌ام. این امر با توجه به این که بسیاری از برنامه‌های بلندپروازانه و آینده نگر دیر کل سازمان ملل برای اصلاح سازمان ملل - از جمله پیشنهادهای مربوط به توسعه عضویت شورای امنیت، تقویت منع گسترش اسلحه و مجهز کردن بهتر سازمان ملل برای اقدام در جلوگیری مؤثر از نسل‌کشی‌ها - رد شده یا به کلی به هم خورده است، اهمیت بیشتری می‌یابد.

من هم چنین از برخی از موفقیت‌های دیگر سال گذشته که کمتر در خبرها آمده است قوت قلب گرفته‌ام. سازمان ملل پیش‌نویس یک میثاق در مورد محافظت همه انسان‌ها از ناپیدا شدن اجباری را برای برخورد به مسئله دستگیری‌ها، بازداشت‌ها، شکنجه و غالباً مرگ زندانیانی که به صورت اعلام نشده به دست عوامل دولتی انجام می‌شود، تکمیل کرد. عفو بین‌الملل که ۳۵ سال پیش پیکاری برای دفاع از «ناپدیدشدگان» را آغاز کرد از این اقدام مهم در حفظ حقوق بشر استقبال می‌کند.

سازمان ملل یک گزارشگر مخصوص برای مسئله حقوق بشر و شرکت‌های فراملیتی و سایر سازمان‌های بازرگانی منصوب کرد. گرچه شرکت‌ها می‌توانند نیرویی مثبت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی باشند، ولی همان طور که از خشونت‌های برخاسته به دلیل منافع نفتی و معدنی در جاهایی مانند دلتای نیجر، جمهوری دموکراتیک کنگو و سودان و یا از آمادگی صنعت اطلاعات و فناوری برای همراهی با سیاست‌های محدود کننده آزادی بیان کشور چین بر می‌آید، اثر برخی از عملیات بازرگانی بر حقوق بشر بسیار مخرب است. در عین حال، ترکیبی قدرتمند از منافع سیاسی و بازرگانی موفق شده است در برابر تلاش‌های بین‌المللی برای پیشبرد حساب دهی قانونی بازرگانی در مورد حقوق بشر مقاومت

کند. علیرغم بحث‌های پر سر و صدایی که در حول هنجارهای سازمان ملل در مورد بازرگانی و حقوق بشر مطرح است، مسئله حساب‌دهی شرکت‌ها همچنان به صورت قاطع در برنامه بین‌المللی باقی است. با استفاده از تجربه هنجارها، در حال حاضر کار اصلی عبارت از این خواهد بود که موازین و اصول حقوق بشری بین‌المللی مشخصی برای عاملان شرکت‌ها تعیین شود.

حرف و واقعیت

هر نهادی به اندازه اراده سیاسی کسانی که آن‌ها را اداره می‌کنند قدرت پیدا می‌کند. غالباً حکومت‌های قدرتمند نهادهای سازمان ملل و منطقه‌ای را برای پیشبرد منافع ملی محدود خود به کار می‌گیرند. ایالات متحده یک نمونه برجسته آن است، ولی متأسفانه تنها نمونه نیست. کارنامه روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی، یا همکاری فزاینده چین با تعدادی از سرکوبگرترین حکومت‌های آفریقا شواهد این مدعا است.

کشورهایی که در شورای امنیت سازمان ملل بزرگترین مسئولیت را در حفظ امنیت جهانی دارند در ۲۰۰۵ نشان دادند که از جمله آنانی هستند که حاضرند بیش از دیگران کار شورای امنیت را مختل کنند و نگذارند که این شورا اقدام مؤثری در مورد حقوق بشر انجام دهد. نمونه شاخص این امر موضع‌گیری آمریکا و بریتانیا در مورد عراق، و روسیه و چین در مورد سودان بود. آنان گویا این درس تاریخ را به فراموشی سپرده‌اند که راه تقویت امنیت جهانی از احترام به حقوق بشر می‌گذرد.

دورویی گروه ۸ به خصوص در ۲۰۰۵ برجسته بود. حکومت‌های گروه ۸ ادعا کردند که از بین بردن فقر در آفریقا را در صدر برنامه خود قرار داده‌اند، در حالی که خود هم‌چنان از صادرکنندگان عمده اسلحه به حکومت‌های آفریقایی هستند. شش کشور از اعضای گروه ۸ جزو ده کشور بالای صادرکننده اسلحه در سطح جهان هستند، و همه هشت کشور مقادیر زیادی اسلحه معمولی یا اسلحه سبک به کشورهای در حال توسعه صادر می‌کنند. این امر باید مسئولیت خاصی بر دوش گروه ۸ بگذارد که نظامی مؤثر برای کنترل انتقال اسلحه در جهان ایجاد کند. اما، علیرغم فشار از طرف حکومت بریتانیا، رهبران گروه ۸ در کنفرانس سران در گلینینگل در مورد نیاز به یک قرارداد تجارت اسلحه توافق نکردند.

با این وجود، فراخوان برای یک قرارداد جهانی به منظور کنترل سلاح‌های سبک دست کم از حمایت ۵۰ کشور در جهان برخوردار شده است. پیام این پیکار، که مشترکاً به وسیله عفو بین‌الملل، آکسفام و شبکه جهانی اقدام در مورد سلاح‌های سبک رهبری می‌شود، روشن است: تجارت اسلحه خارج از کنترل است و باید به فوریت تحت کنترل درآید.

در مورد نهادهای منطقه‌ای، من از این که اتحادیه اروپا عمدتاً در باره حقوق بشر خاموش می‌ماند متأسفم. این اتحادیه اگر وقتی با سوء رفتار حقوق بشری به وسیله شریکان تجاری خود روبرو می‌شود سر خود را مشترکاً زیر برف کند یا چشمانش را در برابر سیاست‌ها و کردارهای اعضای خود در مورد پناهندگان و پناهجویان و مبارزه با تروریسم ببندد، نمی‌تواند اعتبار حقوق بشری خود را حفظ کند و یا مواضع بالایی اخلاقی را اشغال نماید. اتحادیه باید اراده بیشتری

برای مقابله با کوتاهی‌های وحشتناک روسیه در مورد حقوق بشر در چین از خود نشان دهد، و باید هم‌چنین در برابر فشارهای بازرگانی برای رفع تحریم اسلحه به چین مقاومت کند. این تحریم در ابتدا پس از سرکوب خشونت‌بار میدان تیانانمن در سال ۱۹۸۹ برقرار شد تا تعهد اتحادیه اروپا را به ترویج حقوق بشر در چین به نمایش بگذارد. تا موقعی که حکومت چین عقب‌نشینی‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه حقوق بشر نکرده است این تحریم نباید برداشته شود.

اتحادیه آفریقا چهارچوب پیشرفته‌ای در مورد حقوق بشر ایجاد کرده است و نقش مهمی در حل بحران توگو بازی کرد، ولی متأسفانه از ظرفیت و اراده سیاسی برای انجام تعهداتش به صورت پیوسته برخوردار نیست. در اثر محدودیت‌های لجستیکی، و سرکشی حکومت سودان و میلشایی مسلح از رعایت قوانین بین‌المللی، ناظران حقوق بشری اتحادیه آفریقا نتوانسته‌اند در دارفور منشأ اثری باشند. اتحادیه هیچ جرأتی برای حل وضع بسیار وحشتناک حقوق بشر در زیمبابوه از خود نشان نداد. هم‌چنین، اتحادیه نتوانست نیجریه یا سنگال را به همکاری با تلاش‌هایی که برای به محاکمه کشاندن رؤسای جمهور پیشین لیبیا و چاد، چارلز تیلور و حسن حبره در جریان بود وادارد. رهبران آفریقا وقتی از هم‌بستگی آفریقایی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری انجام عدالت و حسابرسی همدیگر به کار می‌گیرند، به خود و مردم آفریقا خدمتی نمی‌کنند.

در برابر رخوت بنیادی و هم‌چنین کوتاهی حکومت‌ها، این افکار عمومی هستند، چه در آفریقا، اروپا یا جاهای دیگر، که از حکومت‌ها تعهد قویتری در مورد حقوق بشر در داخل کشور و خارج آن می‌طلبند. به شکرانه کار دایان حقوق بشر و دیگران، و فشار افزاینده افکار عمومی، جامعه بین‌المللی مجبور می‌شود حقوق بشر را به عنوان چهارچوبی که در درون آن باید امنیت و توسعه تصور شود و به مرحله اجرا درآید، بپذیرد. بدون احترام به حقوق بشر، نه امنیت و نه توسعه هیچ‌یک نمی‌تواند دوام بیاورد.

هم در سطح بین‌المللی و هم منطقه‌ای، حقوق بشر به تدریج به عنوان معیاری برای ارزیابی اعتبار و موقعیت نهادها و کشورها شناخته می‌شود. این یکی از دلایلی بود که کشورهای عضو انجمن ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) در برابر این که میانمار به ریاست این سازمان برسد ایستادند. به همین دلیل بود که اتحادیه اروپا نهایتاً تصمیم گرفت که ممنوعیت فروش اسلحه به چین را لغو نکند. از همین رو است که هند در برخوردش با نپال، حقوق بشر را یکی از عناصر آن قرار داده است.

هم از نظر اصولی و هم به دلایل عملی، باید به حقوق بشر به عنوان یک عنصر اساسی استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای نگریست و نه به عنوان یک گزینه اضافی برای اوقات خوب. من شکی ندارم که وقایع ۲۰۰۵ نشان داد که اعتبار سیاسی و اخلاقی حکومت‌ها به طور روزافزونی با معیار موضع آنان در مورد حقوق بشر در داخل و خارج کشور سنجیده خواهد شد. یکی از مهمترین دست‌آوردهای جنبش حقوق بشر در دوران‌های اخیر همین است.

چالش‌های روشنی در پیش است. حملات وحشیانه گروه‌های مسلح، افزایش بی‌ثباتی در خاورمیانه، خشم و انزوای روزافزون جوامع مسلمان در سراسر جهان، درگیری‌های فراموش شده در آفریقا و نقاط دیگر، افزایش نابرابری و فقر

خیره‌کننده – همه این‌ها گواهی از دنیای خطرناک و جدا شده‌ای است که در آن حقوق بشر روزانه در معرض تهدید است. ولی به جای این که مأیوس شویم، من معتقدم این چالش‌ها انگیزه عمل را بیشتر هم خواهد کرد.

در تنظیم برنامه خود برای ۲۰۰۶، عفو بین‌الملل و میلیون‌ها عضو و پشتیبان آن از موفقیت‌های برجسته جنبش حقوق بشر و ایمان مردم عادی به قدرت حقوق بشر قوت قلب می‌گیرند. ما در عفو بین‌الملل این قدرت را دست کم نمی‌گیریم. ما آن را برای مبارزه با کسانی که ترس و نفرت را عرضه می‌کنند، و برای به چالش کشاندن کوتاه‌بینی قدرتمندترین رهبران جهان، و برای به محاسبه کشاندن حکومت‌ها، به کار می‌گیریم.

پیوند به: اطلاعیه مطبوعاتی گزارش سالانه ۲۰۰۶ عفو بین‌الملل